

دیوان مادرهای عشق

سروده

رمضان کردچگینی

انتشارات حدیث امروز

۱۳۸۵

سرشناسه: کردچگینی، رمضان، ۱۳۲۱
 عنوان و پدیدآور: دیوان مادرهای عشق / سرودهٔ رمضان کردچگینی
 مشخصات نشر: قزوین: حدیث امروز، ۱۳۸۵
 مشخصات ظاهری: ۳۳۶ ص: شابک: 964-5765-23-4
 یادداشت: فیفا موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴.
 موضوع: شعر لری - قرن ۱۴.
 رده بندی کنگره: ۱۳۸۵ ۹۴۴۹/۸۱۸۴ PIR
 رده بندی دیویی: ۸۶۱/۶۲
 شماره کتابخانه ملی: ۳۱۳۲۵-۸۵م



نام کتاب: مادرهای عشق
 مؤلف: رمضان کردچگینی.
 حروف چین: سمیه کردچگینی
 صفحه آرا: محبوبه آسیابان ها
 لیتوگرافی و چاپ و صحافی: قم، مؤسسه چاپ الهادی ۳-۶۶۵۱۱۲۱-۳
 تاریخ نشر: (چاپ اول) زمستان ۱۳۸۵
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 ناشر: حدیث امروز
 شابک: ۹۶۴-۵۷۶۵-۲۳-۴ ISBN: 964-5765-23-4
 دفتر مرکزی: خیام، جنب کوچه ۲۰ مؤسسه انتشاراتی و مطبوعاتی حدیث امروز، تلفن ۲-۳۳۵۴۰۰۱
 فروشگاه: ضلع شمالی پارک ملت شماره ۱۲ تلفکس ۳۳۵۱۱۰۰

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

فهرست

۱۹	نفریظ
۲۱	پیشگفتار
۲۷	مردی از تبار عشق

غزلیات

۳۳	پیروی از حق
۳۴	فخر هدی
۳۴	شمس و قمر
۳۵	باده روحانی
۳۵	آب بقا
۳۶	جام ولایت
۳۶	حییبه طاهره
۳۶	بلبل خوشخوان
۳۷	فرزانه کامل
۳۸	نویاوه های مسلم
۳۸	ثنای مرتضی
۳۹	شقیقه فردا

۳۹	شفیع محشر
۳۹	ذکر خفی
۴۰	عزیز مصطفی
۴۰	واقف اسرار
۴۱	بیان حقیقت
۴۱	مست می‌الست
۴۲	خامی دین
۴۳	مرغ عاشق
۴۴	امشب
۴۵	ناله جانسوز
۴۵	شهسوار عرب
۴۵	ساقی گلچهره
۴۶	قامت سرو
۴۶	مرغ بسمل
۴۷	امام رثوف
۴۷	نولد زهرای اطهر
۴۸	وصل دلبر
۴۸	خاتون محشر
۴۹	قبله هشتم
۴۹	علی مرآت حق
۵۰	غدیریہ
۵۰	خلوت دل
۵۱	جرعه‌ای ز جام
۵۲	سرود باران
۵۳	سوره‌های فرغان
۵۴	نبرک عنوان
۵۶	علی ولی خدا
۵۶	قتلگاه عشق

۵۷	انصار حسین
۵۷	عاشق جمال علی
۵۸	عارف عاشق
۵۸	آخرین آرزو
۵۸	رخش فردوس
۵۹	اهل ولا
۵۹	آب زمزم
۶۰	نور حق
۶۰	رخ ماه
۶۰	مريض عشق
۶۱	می ناب
۶۱	طرفه نگاه
۶۲	نغمه عشق
۶۲	عارف سالک
۶۳	رضای دوست
۶۳	سرای دوست
۶۴	جلال دوست
۶۴	نغمه عشق
۶۵	راه دوست
۶۵	نور الهی
۶۶	کعبه عشاق
۶۶	گلبن عشق
۶۶	عشق ظاهر
۶۷	ولایت دوست
۶۷	رمز دوست
۶۸	ولایت دوست
۶۸	جمال یار
۶۹	ولای مرتضی

۶۹	کنج خرابات
۷۰	شافع محشر
۷۰	نفس پیغمبر
۷۱	لب نیکو
۷۲	گل توحید
۷۲	قدر بخشش
۷۲	بت عیار
۷۳	استغفار
۷۴	مه و مهر
۷۴	ساحل وصال
۷۴	خلوت دل
۷۵	جنات نعیم
۷۵	شاه نشه لب
۷۶	عشق و جنون
۷۶	زار مجنون
۷۶	طیب قلب
۷۷	شهید طوس
۷۷	مولودیه
۷۸	گل ترکس
۷۸	شاه نجف
۷۹	نزول شه بی چون
۸۰	کوثر و طوبی
۸۰	نبشه ها و ریشه ها
۸۱	طایر قدسی
۸۱	مرغ چمن
۸۲	شام عاشورا (وعده میثاق)
۸۳	قلعه خیبر
۸۴	مزلنگه یار

۸۴	طرز گیسو
۸۵	قبله گاه
۸۵	شہ عشاق
۸۶	پرچمدار حق
۸۷	ہجران نگار
۸۷	قرب دوست
۸۸	شاہ عشق
۸۹	دلبران حرم
۸۹	مولد حرم
۹۰	سالار اُمّت
۹۰	عشق وصال
۹۰	خانہ حق
۹۲	کعبہ عشق
۹۲	چرخ اخضر
۹۳	میر عارفان
۹۳	حام وصل
۹۴	سرود عشق
۹۴	کنج عزت
۹۵	وصف حیدر
۹۵	کلام پاک
۹۵	دلدادہ یار
۹۶	شاہ شاہان
۹۶	درخت مهر
۹۶	سافی کوثر
۹۷	مدح علی (ع)
۹۷	نفس کافر
۹۸	سرزمین کربلا
۹۸	ایثار

۹۹	علی حق (حیدر صفدر)
۱۰۰	قرب حق
۱۰۱	عشق جمال
۱۰۱	غم هجر
۱۰۲	شهید عشق
۱۰۳	علی ولی خدا
۱۰۳	طواف کعبه (سافی کوثر)
۱۰۴	گرچه عشاق
۱۰۴	کوی خرابات
۱۰۵	پای بست عشق
۱۰۶	مقامات عشق
۱۰۶	عاشق بیدل
۱۰۶	کاروان حق
۱۰۷	عشق
۱۰۸	محرم عشق
۱۰۸	پیام عشق
۱۰۹	قلب عاشقان
۱۱۰	شه عشق
۱۱۰	کنج لب خال
۱۱۰	بنای عشق (خدای عشق)
۱۱۱	قبل و قال
۱۱۱	طائر پر شکسته
۱۱۲	طریق عاشقی
۱۱۲	سفای کربلا
۱۱۲	کان وفا
۱۱۳	ثنای ابوالفضل (ع)
۱۱۳	زاده حیدر
۱۱۴	مرد عاقل

۱۱۴	علی عمرانی
۱۱۵	سرو طوبی
۱۱۶	ولایت عشق
۱۱۶	یوسف کنعانی
۱۱۷	خسرو و شیرین سخن
۱۱۷	شب قدر
۱۱۸	سروش غیب
۱۱۸	شاه ولایت
۱۱۹	هجر بابا
۱۱۹	فراق جمال
۱۲۰	پیر صافی
۱۲۰	مجنون و شیدا
۱۲۱	هجر بابا
۱۲۱	بداله مظفر
۱۲۲	روی یار
۱۲۲	خون عاشقان
۱۲۳	ماه جبین
۱۲۴	هجر وصال
۱۲۵	کلیم عشق
۱۲۵	بند زلف
۱۲۵	طریق عاشقان
۱۲۶	غصب فدک
۱۲۷	وصال یار
۱۲۷	فرط محبت
۱۲۸	مرهم دل
۱۲۸	وصل دلدار
۱۲۸	ناله یا چاه
۱۳۰	عطا و کرم

۱۳۰	مرغ غزل خوان
۱۳۱	خالق دادار
۱۳۱	دوری جمال
۱۳۲	یوسف مصری
۱۳۲	بت ترسا
۱۳۳	ماه کنعان
۱۳۳	نگار خویان
۱۳۴	حی سبحان
۱۳۴	خدا یا مهریانا
۱۳۵	طوطی شیرین سخن
۱۳۶	دامن وصل
۱۳۶	مجنون فکار (غم هجر)
۱۳۷	خون خدا
۱۳۷	غم داغ
۱۳۸	اسرار حق
۱۳۹	شافع عقی (هل اتی)
۱۳۹	یار وفادار
۱۴۰	چوب جفا
۱۴۰	آبت کبری
۱۴۱	مخزن علوم
۱۴۲	ذکر خدا
۱۴۲	قامت طویی
۱۴۳	شهیدان وطن
۱۴۳	قامت طویی
۱۴۴	شام فراق
۱۴۴	غم عظیم
۱۴۴	شیر یزدان
۱۴۵	بنده نواز

۱۴۵		عشرت طه
۱۴۶		مرآت خدا
۱۴۶		وصف جمال یار
۱۴۷		خالق دادار
۱۴۷		دنیای بی پایان
۱۴۸		رخصت از یزدان
۱۴۹		مقام حسن (ع)
۱۵۰		طریق وفا
۱۵۰		بیقرار
۱۵۱		حیدر دلدل سوار
۱۵۲		عید غدیر
۱۵۲		مدد حق
۱۵۲		محو رخسار
۱۵۲		امید وصال
۱۵۳		صاحب دم
۱۵۴		شهید عشق
۱۵۵		مقام دوست
۱۵۵		صبح سعادت
۱۵۶		ثنای مهدی (ع)
۱۵۶		یادگار فاطمه
۱۵۶		مراد عاشقان
۱۵۷		ناله نی
۱۵۸		عنایات حق
۱۵۸		مدح مولا
۱۵۸		یادگار علی
۱۵۹		آرزوی وصال
۱۵۹		در کوی جانان
۱۵۹		ماه سیما

۱۶۰	مقام آدمی
۱۶۰	شه مردان
۱۶۱	توحید
۱۶۲	ره مردان حق
۱۶۲	راه خدا

مخمس

۱۶۵	وارستگی
۱۶۷	ستار العیوب
۱۶۹	مه منبر
۱۷۰	جان جهان
۱۷۱	تیر ملامت
۱۷۳	مال دنیا
۱۷۵	نگار
۱۷۶	عقل شیطانی
۱۸۰	شاه تنها
۱۸۲	شاه نجف
۱۸۴	لیلی و مجنون
۱۸۶	درویش
۱۸۷	گوشه میخانه
۱۸۹	توبه
۱۹۱	محبوب
۱۹۴	جان نثار
۱۹۶	لوای مرفضی
۱۹۸	محبوب بی همتا
۲۰۰	محمد مصطفی (ص)

مثنویات

۲۱۵	جام الست
۲۱۶	یل ام البنین (ع)
۲۱۸	ساقی لب نشنگان
۲۲۱	روح قرآن
۲۲۲	به حق شهید کربلا
۲۲۳	پیمان با خدا
۲۲۴	جنگ صفین
۲۲۶	یا من لیس الا هو
۲۲۷	ترکیب بند

اشعار لری

۲۳۱	علی جو
۲۳۲	حکایت ۱
۲۳۳	حکایت ۲
۲۳۴	فارون فقیر
۲۳۸	عید غدیر
۲۴۰	مُشکیل گشا
۲۴۲	عید مبعث
۲۴۳	وادی کربلا
۲۴۵	مظلومه علی (ع)
۲۴۶	نگار سنگ دل
۲۴۶	وداع شاه دین
۲۴۸	مسلمون با ادعا
۲۴۹	بیا بیا مهدی (ع) بیا
۲۵۰	سفیر خدا

۲۵۰	ساقی نابه
۲۵۳	الهی نامه
۲۵۵	سلطان دین
۲۵۶	خادم زهرا (هنده)
۲۶۱	مست شرور
۲۶۲	دوسدار خدا
۲۶۳	گل پر پر
۲۶۴	وداع حسین (ع) و اخوآر
۲۶۵	گفتگوی حسین و عباس (ع)
۲۶۶	مقام فاطمه (س) و اعلی (ع)
۲۶۸	گت علی حقه، و حق مرنضی
۲۶۹	پاپا حیدر مدد
۲۷۱	دوتایی قامت حیدر
۲۷۲	حُسنِ مه جبین
۲۷۴	آلفضل دلاور
۲۷۵	جشن رضا (ع)
۲۷۶	مست و اروضه خو
۲۷۷	یوسف و ذلیخا
۲۸۰	جابرین انصاری
۲۸۱	اُم لیلا
۲۸۲	خاک گرم گریلا
۲۸۳	موسی ابن جعفر (ع)
۲۸۵	امام رضا (ع)
۲۸۷	ماردابن سودیف
۲۸۹	وداع با ابرالفضل
۲۹۰	وزیر مُسلمو
۲۹۱	زین یهودی
۲۹۴	داغدار بی زینب

۲۹۵	نوبه خُر
۲۹۶	علی اکبر (ع)
۲۹۷	جنگ قاسم
۲۹۸	علی اصغر (ع)
۲۹۹	زینب مضطر
۳۰۰	دیر راهب
۳۰۲	خزانه شام
۳۰۳	رقیه به سالد
۳۰۵	حبله بزیذ
۳۰۶	با مُحَمَّد (ص)
۳۰۷	نامه حضرت صفری
۳۰۸	ماه بنی هاشم
۳۰۹	پیر جبرئیل امین
۳۱۴	فاطمه اما دُنیا
۳۱۴	با علی نوئی مولا
۳۱۵	شاه دین پرور
۳۱۶	حسین جواى هَمه کیم
۳۱۷	همای رحمت
۳۱۸	دُخت پیغمبر
۳۲۰	بابن الحسن
۳۲۱	سفیر آخر
۳۴۲	اکبر پرور
۳۲۳	ماشالا بیت
۳۲۴	شیر خدا
۳۲۴	(سهیل آسمو)
۳۲۵	عزیز حیدر
۳۲۷	جِنوات لُری
۳۲۷	جِنوات لُری (۱)

۳۲۷		چینوات لُری (۲)
۳۲۸		چینوات لُری (۳)
۳۲۹		چینوات لُری (۴)
۳۲۹		چینوات (۵)
۳۳۰		چینوات (۶)
۳۳۱		چینوات (۷)
۳۳۲		چینوات (۸)
۳۳۳		چینوات (۹)
۳۳۴		عبد غدیر
۳۳۵		جنگ خندق
۳۳۶		عشق حسین

تقریظ

یا هو

درست یادم نیست که رشته پیوند ما چگونه و با چه بهانه‌ای بهم پیوست اما آنچه هست جز حس مشترک و صفا و یکدلی این عاشق شیفته چیز دیگری نمی تواند باشد. بدور از دغدغه هستی، در پیاده رویی از خیابان‌های پر تردد قزوین، و در میان ازدحام عجول رهگذران، بی آنکه اندیشه خاطری داشته باشم، ایستاده بودیم و او با صدایی گرم و نسبتاً بلند، یکی از سروده‌های نثری خود را برایم می خواند و با حرکات دست و سر، ابیات را جان می بخشید و دلبذیرتر به تجسم می کشید. نگاه کنجکاو رهگذران و بهانه کوتا‌تر نمودن گام‌های نهاده در راهشان، هیچ وقفه‌ای را در این حماسه خوانی زیبا به وجود نمی آورد. به راستی که مردی با صفا و صمیمی یافتنش و چه پیوند مستحکمی بین ما به وجود آمد، با رشته‌های ناگسستنی زبان مادری و تارهای پولادین احساس.

حاج رمضان کرد چگینی را می گویم که به استناد شناسنامه اش، در یکی از روزهای سال ۱۳۲۱ در قزوین تولد یافته، خواندن و نوشتن را در حد محدود فرا گرفته و با تجربه باغداری و کشاورزی، سی سال شاعری را به آزمون نهشته است و الحق که در این آزمون با سرایش اشعار نثری و فارسی در قالب‌های قصیده، غزل، رباعی، دو بیتی و مخمس موفق گردیده است. و با آنکه در زمینه قواعد شعری مطالعه‌ای نداشته، توانسته است در لحظه‌های زندگی غواص این بحر بی کران باشد. بیشتر مضامین شعری او در محور زندگانی ائمه اطهار بوده و در وصف شجاعتها و پیکارهای حماسی مولای متقیان حضرت علی بن ابیطالب (ع) با اهریمنان تبا‌هی، با کلک افسونگر خود، چه زیبا بر بوم احساس نقش آفرینی نموده است و زندگانی گهر بار حضرت محمد (ص) خاتم النبیین را از احادیث به یادگار مانده ثبت در دل

تاریخ پر افتخار اسلام نموده و چه زیبا به نظم کشیده است.
می توان با چشم عیب پوش، اندک لغزشی را که در برخی از اوزان خودی می نماید،
نادیده گرفت و احساس پاک سراینده را تقدیر نمود. پیش از این نیز بخشی از
اشعار فارسی و لُری این عزیز در منظومه ای دلپسند، با نام خیمه های سوخته،
تقدیم اهل دلسوختگان عاشق گردیده که مقبول پسند گشته و اقبال یافته است.
امید است که این شاعر دل سوخته و بیقرار سالیانی بس دراز طول عمر یابد و کمال
اندیشه اش بارورتر گردد و گنجینه ای گران بهاء از سروده های خویش را برای
نسل های گام نهاده در راه بیافریند و همواره با فراغت خیال و بی دغدغه خاطر در
کمال تندرستی غزلخوان غزلواره های حماسی زندگانی پیامبر اکرم و مولای
مستقیان حضرت علی ابن ابیطالب و ائمه اطهار باشد. یا حق

قاسم فشنک چی (رنج)

تیرماه ۱۳۸۵

پیشگفتار مؤلف

در آسمان علم و ادب گاهی ستاره‌هایی طلوع کرده‌اند که آیندگان را در حسرت نام خویش در حیرت گذاشته‌اند، طایفه‌ای از مشرق زمین، که در تمام روزگاران آوازه نبوغشان در کره‌ی خاکی باعث شده است که نام ایران و ایرانیان در ردیف مردم دانا و بینا و هنرمند تاریخ ثبت شود و برای شناخت مردم بزرگ و سحر آفرینی مانند فردوسی شاعر بزرگ قرن پنجم و نیما شاعر معاصر، ضرورت، نخست از عصر و زمانی که وی در آن می‌زیسته باید سخن گفت ولی همین بس که بگوییم: این گروه حجابها را کنار زده‌اند و به مشاهده‌ی خدای تعالی رسیده‌اند و به لقای خدا مشرف شده‌اند و یگانگی خدای عز و جل را به زبان اقرار و به دل تصدیق نموده‌اند پیدا است که بنای رفیع علم و دانش خویش را بر بنیان دین استوار کرده و این موهبت را با نیاز از آن یگانه‌بی‌نیاز به زاری و خاکساری طلب نموده‌اند که در عصر ما میراثی تا بدین پایه ارجمند، توجه و اهتمام خاص خویش را می‌طلبد، این بنده‌ی حقیر از زمان کودکی و در دوران نوجوانی همواره در معیت والدین خویش مرحوم «پدرم دوستعلی و مادرم هما که ان شاء الله ارواحشان با خاندان نبوت همنشین گردد» اغلب در محافل اهل فقر و عرفان رفت و آمد داشتم و سلوک عرفا را تا حدودی دریافتم و اسلام راستین را همواره با محبت آل طاهرا و ائمه هدا «علیهم السلام» شناخته و به آن اعتقادی آگاهانه و عاشقانه پیدا کردم و دریافتم اقرار به یگانگی معبود یکتا و توصیف چهارده معصوم پاک (ع) بصورت ایبائی آمیخته با نظم بر زبانم جاریست ولی عدم علم و دانش ادبی، بر قرار کردن ارتباط با

قلم را برایم مشکل ساخته بود، ولی همین موهبت فطری راه را برایم هموار ساخت و شیوه حفظ کردن و به خاطر سپردن اشعار را جهت طبع و شکوفایی، پیش رویم قرار داد، بنابراین در جستجوی گوهر مقصود به هر جانب که آوایی شنیدم شتافتم و با عرفای زیادی ملاقات نمودم و نیازم را از آن مهربان یگانه‌ای که سلسله جنبانید و مرا به کمند و جذبه و عشق خویش مقید ساخت و در نهادم این کشش و طلب را به ودیعه نهاد جويا شدم و با توسل به آستان مولای درویشان خود را بصورت قطره‌ای به دریای نامتناهی فضایل و مناقب ولی الله اعظم زدم تا اینکه سلطان خوبان در خزائن بگشود و گنج بر لوح دلم پاشید و آنچنان این مشتاق و محتاج را شراب وحدت نوشاند و ضمیر دلم را آنچنان با انوار معرفت خویش روشن ساخت که تأثیر آن در تمام این دیوان آشکار و مشهود است و از آنجا که از درگاه عرش مقامش هیچ کسی بی مقصود باز نگشته موفق شدم تا گوهری به کف آرم و آن را وسیله افتخار و اقتدار دنیا و در آخر خود و فرزندانم قرار دهم، در نتیجه تمام اشعارم در قالب هایی نظیر غزل، مخمس، قصیده و مثنوی و رباعیات در دو جلد با نامهای «سفینه خیمه‌های سوخته» جلد اول و «مادر هُمای عشق» جلد دوم با موضوعاتی در مدح و منقبت حضرت علی ابن ابیطالب (ع) و ائمه معصومین و صرف ۳۰ سال عمر این مور ضعیف و ناتوان به دانه‌ای رسید و بی توشه نماند و عاقبت الامر در سال ۱۳۸۵ در فاصله نه چندان طولانی بعد از چاپ جلد اول برای چاپ سروده‌های خود در جلد دوم مصمم شدم و چون این اشعار در فضایل و مناقب و عشق به سید الشهداء و ائمه اطهار است نام جلد دوم را همراه با نام مادرم ثبت نمودم زیرا مرکیبی که مرد را به مقصد می‌رساند نیاز است همان نیازی که ارباب معرفت آن را از دودست به دعا می‌خواهد و این کار ممکن نبود جز دعا‌های نیمه شبهای مادرم چرا که اگر نیازم باد و دست دعای ایشان به درگاه وی گذر نمی کرد اجابت به استقبالش نمی آمد.

بزرگواران خواننده، ناگفته نماند در بخش دوم این کتاب اشعاری به زبان لُری درج گردیده که از سروده‌های این بنده حقیر می‌باشد با این امید که بتواند گوشه‌هایی از تاریخ کهن و لهجه محلی و شیرین مردمان عزیز لُروگویش‌های لُری را بازگو نماید.

عزیزان در کتاب من هر جا که روشنی یافتید آن نور اوصیا و انبیاست (ع) و هر جا نقص و کاستی یافتید آن را به حساب خود من بگذارید امید دارم ارباب فضل و کمال نام این بنده حقیر را در آخرین رده چاکر چاکران و خاک پای تمام عاشقان شاه مردان و مولای متقیان ثبت و ضبط نماید، و ختم کلام اینکه اکنون چون وقت و فراقتی دست داده است از تمامی دوستانی که در تدارک این مجموعه مرا تشویق و یاری کرده‌اند از جمله دوست صمیمی و گرانقدر آقای حاج جعفر زاجکانی که وجودش همه مهر و مردی است. و فاضل محترم و انسان بزرگوار جناب استاد قاسم فشنگچی و... همه آشنایان و عزیزان خواننده همچنین همسر صبور و فداکار و فرزندان عزیزم تشکر و سپاسگزاری می‌نمایم.

مردی از تبار عشق

نیک مردان را در پهنه این جهان فراخ جایگاهی رفیع و سیمرغ نشین است که به راستی این مسند شایان در خور تکیه آنان است و هر ذره بی مقدار را به آسانی بر آن جایگاه والا راهی نیست آنان مردانی پاک و خدائی اند انسانهائی فداکار و باگذشت که در تنگناها و حوادث روزگار به یاری دردمندان شتافته و با دست همت و پر فتوت خود دستگیر زمین خوردگان تقدیر میگردند مسلمانانی مومن و متعهد اند که همواره در راه ایثار باز نمی مانند جای آن دارد در اینجا از سرور و برادر گرانقدر خود آقای (حاج جعفر زاجکانی) که از زمره چنین راد مردانی میباشد نامی به میان آورده و این چهره تابناک را معرفی نمایم هر چند چنین مردانی خود معرف خویش اند و نیازی بر شناسایشان نیست:

او در سنه ۱۳۳۶ هجری شمسی در شهر خلدبرین تروین دیده بر جهان گشود و در خانواده ای مسلمان و متدین تعالیم مکتب مقدس اسلام را فراگرفت و پیشه خویش ساخت این بزرگ مرد وارسته همواره در تنگناهای زندگی به یاری دردمندان شتافته همانند پدری مهربان و مسئولیت پذیر در تدارک و تهیه جهیزیه دختران بی سرپرست دست همت بالا زده و از بذل مال و جان خویش دریغ نورزیده است مانند طبیبی دلسوز و انسان دوست در تیمار بیماران کلیوی و تقبل هزینه درمان آنان بدون هیچ چشم داشتی همت گماشته و به استمداد دوستان و آشنایانی که مشکلات مالی داشته اند شتافته و از دستگیریشان دریغ نورزیده است. تهیه سرپناه برای بی پناهان و البسه برای مستمندان و رسیدگی بر امورات زندگیشان را در برنامه کاری خود قرار داده است با دلگرمی و دلسوزی سرپرستی

هیئت قائمیه استان قزوین را عهده دار شده و در هیئت‌ها و مساجد قزوین در پیشبرد اهداف اسلامی دامن همت را میان بر کشیده است. بیهوده نیست که در قلب فرد فرد آنانی که از راه دور نزدیک می‌شناسندش و با او آشنایی دارند جایی باز نموده و تمام کسانی که با صفات پسندیده می‌شناسندش مهراش را در دل جای داده و گرمی‌اش می‌شمارند فرخنده و نیکنام چنین پدر و مادر گرانقدری که در دامن پر مهر و افتخار خود چنین ابر مردی را پرورش داده و به شاه راه حقیقت هدایت فرموده‌اند و زهی اقبال پدر گرانمایه این عالیقدر که در پناه همت پدر و مادر شایسته و سیده علویه خانم تحت تعالیم اسلامی آنان فراگیر راه این عزیزان گشته و خود را جهت انجام وظایف خطیری که در آینده دارند آماده می‌سازند.

امید است که این وجود شریف، خانواده گرانقدر همواره در کمال تندرستی و سلامت قرین رحمت الهی باشند و بی‌گزند از آسیب دهر شادکام و نیکبخت در پناه ایزد منان ادامه دهنده راهی باشند که از دیر باز در آن گام نهاده‌اند و آزرده خاطر نگردند از اینکه ناخواسته و بی‌اذن ایشان در این سطور معرفیشان را به دست قلم خود سر سپرده‌ام و اگر قصوری رفته است این حقیر بی‌مقدار را معذور دارند.

♦ حاج جعفر زاجکانی

آگاهترین مرد حق ای واقف اسرار مَرهم شده بر درد دل خسته بیمار
دربندگی خسالت یکتای جهان خاک در سجده درگاه حق اش جعفر طیار
دلسوزترین یار شب خسته دلریش از پای دل دوست درآورده برون خار
دربذل و کرم بخش تر از حاتم تائی گوی از همگان برده به رسم و راه یثار
بگذشته ز جان در ره ایمان زور و سیم بی خود شده از خویش و غم دوست خریدار



یار فقرا و عاشق و همدم درویش وقت است ندادا سر بدهم بر سر بازار
دریای قضا گرچه بود سخت پراز موج کشتی وُرادست حق همواره نگهدار
در عشق دل عاشق او یکسدمه بارنج تا وقت سحر چشم و دلش یکسره بیدار
از ما ثمری نیست براو گرچه به مثقال از سینه ما دور کنند غصه به خروار
(محمود) کند مدح چنین مرد خدا را بیهوده نگویند سخنی دیده به کُوار